

# معرفی مجله اصول تعلیم

مقالات و یادداشت‌ها

## از قدیمی‌ترین مجلات حوزه تعلیم و تربیت

● مهران آشوری\*

### اشاره

نشریات و مجلات از دیرباز در روشنگری و تنویر افکار عمومی بسیار حائز اهمیت بوده، تا آنجا که راه مناسبی برای بروز افکار متجددین جامعه و تعلیم اذهان و مخاطبان آنان نیز بوده است. در همین راستا مجلاتی چون «اصول تعلیمات» و بعدها مجله «اصول تعلیم» توسط افرادی چون ابوالحسن فروغی برای اصلاح اخلاق و تکمیل علوم و تجدید ادبیات در عصر خود به طبع و چاپ رسید. در این مقاله شرحی از چگونگی نوشتار و اهداف نشر این مجله را می‌خوانیم.

مجله «اصول تعلیم» در واقع ادامه مجله «اصول تعلیمات» است که در شماره پیشین مورد بررسی قرار گرفت. شماره ششم مجله «اصول تعلیمات» که در برج سنبله ۱۲۹۸ قوی ثیل منتشر شده بود، به سبب دشواری‌های مالی متوقف شد، اما با استقبال و تقاضای مکرر مشترکان، نصیرالدوله بدر، انتشار مجله را از اداره تفتیش (از ادارات تابع وزارت معارف) جدا و اداره امور آن را به دارالمعلمین مرکزی (دانشسرای عالی و مرکز تربیت معلم، تأسیس در ۱۲۹۸ش) واگذار کرد و طی حکمی، مسئولیت اداره آن را به ابوالحسن فروغی (۱۲۷۰-۱۳۳۸ش)، ادیب، فیلسوف، سیاستمدار و رئیس وقت دارالمعلمین مرکزی سپرد. یک سال بعد، دوره دوم مجله «اصول تعلیمات»، در شش شماره جداگانه و با همان قطع دوره پیش با عنوان جدید «اصول تعلیم» از پانزدهم حمل ۱۲۹۹ انتشار یافت. از این رو در پشت جلد

\* رئیس بخش نشریات کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران ..... mehranashuri@gmail.com

شماره اول  
«اصول تعلیم»  
در چهاردهم  
رجب المرجب  
۱۳۳۸ قمری  
منتشر شد  
و نحوه انتشار آن  
ماهانه بود

مجله، عبارت «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» که آرم رسمی دولتی بود، به شکل نیم‌دایره با خط نستعلیق چاپ شد و در داخل آن، عنوان «دارالمعلمین مرکزی» که نشانگر انتشار مجله از سوی این نهاد است، درج گردید. این دوره از مجله، جز در سرلوحه آن، از حیث کلیات، شکل و محتوا با همان کیفیت و کمیت پیشین منتشر شد. شماره اول «اصول تعلیم» در پانزدهم حمل پیچی ثیل ۱۲۹۹ اسال میمون، به حساب منجمان ترکستان نهمین سال از دوره اثناعشری، مصادف با چهاردهم رجب المرجب ۱۳۳۸ قمری منتشر شد و نحوه انتشار آن ماهانه بود.

بر روی جلد مجله از قول نصیرالدوله - وزیر معارف وقت - این عبارت نگاشته شده است: «منظور ما از افتتاح دارالمعلمین و مجله اصول تعلیم تنها تربیت ماهر در تعلیم الفاظ نیست بلکه از این دو تأسیس اصلاح اخلاق و تکمیل علوم و تجدید ادبیات، هر سه را می‌خواهیم». بر روی جلد مجله، فهرست مندرجات دوازده‌گانه که در آن عنوان مقاله و نویسنده آن درج شده است، دیده می‌شود. این فهرست شامل موارد زیر است: «سواد حکم و وزارت جلیله معارف»، «توضیح منظور» به قلم میرزا ابوالحسن خان فروغی، «اعتذار و ادای قرض گذشته»، «ترتیب آینده و تکمیل مندرجات»، «این مجله برای کیست؟» به قلم میرزا ابوالحسن خان فروغی، «تاریخ طبیعی و مقام آن در تربیت» به قلم میرزا ابوالقاسم خان بهرامی معلم تاریخ طبیعی، «هدیه نوروزی» از طرف هیئت تحریریه، «ترجمه احوال رجال - محمد زکریای رازی» به قلم میرزا عباس خان اقبال آشتیانی، «حقیقت و راستی در تربیت» به قلم میرزا ابوالحسن خان فروغی، «حکمت تعلیم - تعلیم علوم ریاضی» به قلم میرزا غلامحسین خان رهنما، «جوهر و عرض - قوه و ماده» به قلم میرزا ابوالحسن خان فروغی و «جزوه الحاقیه دوره دروس تاریخ آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی» جمع‌آوری توسط میرزا عباس خان اقبال آشتیانی.

اولین صفحه از ابتدای نشریه طرحی از طبیعت و جهان داشت که توسط برگ گیاهان محصور شده بود و با قسمتی از آیه «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ اَنْظُرُوا مَاذَا فِی السَّمٰوٰتِ وَّالْاَرْضِ» (سوره یونس، آیه ۱۰۱) با خط نستعلیق مزین شده بود که در زیر آن



نیز عنوان مجله «اصول تعلیم» آمده بود.

در اولین مطلب با عنوان «سواد حکم وزارت جلیله معارف» نصیرالدوله بدر، وزیر معارف، در حکم خود می‌نویسد: «جناب مستطاب آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی، رئیس دارالمعلمین مرکزی زید اقباله - نظر باینکه ترقی امر تعلیمات و مخصوصاً توسعه فن شریف تعلیم و تربیت همواره منظور نظر وزارت معارف بوده است، برای انجام این مقصود مجله (اصول تعلیم) را تأسیس نموده است که هادی افکار معلمین کل مملکت بوده حاصل تجربیات علما و متخصصین را به ایشان بیاموزد بدیهی است نگارش یک چنین مجله حقیقاً از وظایف دارالمعلمین است و اولیای آن مدرسه باید مقالات مفیده و مطالب جامعه برای آن تهیه نمایند. علیهذا به موجب این حکم مقرر می‌دارد از این تاریخ که امور آن مدرسه کاملاً به جریان افتاده، مسئولیت اداره آن مجله برعهده جنابعالی محول می‌شود که در ترتیب و تدوین آن اقدامات مقتضیه به عمل آورند».

مطلب بعدی با عنوان «توضیح منظور» توسط ابوالحسن فروغی بیانگر این مطلب است که تغییری در طرز اداره مجله رخ داده است. وزارت معارف برای تکمیل معارف و اصلاح روش‌های تعلیم و تربیت و سرعت در رسیدن به نتایج مورد نظر، به تأسیس دو چیز پرداخته است: یکی تأسیس دارالمعلمین مرکزی و دیگر تأسیس مجله «اصول تعلیم». دارالمعلمین یعنی محل تربیت معلم. معلم به کسی می‌گویند که یک علم یا یک فن را بتواند به دیگری بیاموزد و هنر او در این است که مسائل آن علم را بتواند به روشنی بیان کرده تا متعلم به راحتی بتواند مقصود را درک کند. اگر تمام رسالت معلم به همین جا ختم می‌شد، نیاز به استاد و مربی خیلی کم بود و برای تربیت معلم، ایجاد یک مدرسه خاص ضروری نبود. مطلب حائز اهمیت این است که معلم به تربیت اخلاقی نیز مکلف است و باید دارای تربیت کامل‌تر و اخلاق کریمه بوده و باید راه آموختن آن اخلاق را به متعلم بداند. آموزش مفاهیم درسی یک مفهوم ساده بوده و منظور حقیقی تربیت، اصلاح و تکمیل اخلاق است. حل مسئله تعلیم و تربیت و تکلیف دارالمعلمین که معلم یا مربی تربیت می‌کند، منوط به پاسخ سه سؤال اصلی از سؤالاتی است که موضوع تمام حکمت و تحقیقات علمی بشری است: اولاً آدمی از زندگی در این عالم چه می‌خواهد یا چه باید بخواهد؟ ثانیاً مقصود از تشکیل جمعیت بشری چیست؟ و ثالثاً افرادی که جمعیت بشری را تشکیل می‌دهند باید دارای چه صفاتی باشند تا منظور حاصل شود؟ زیرا هدف از تعلیم و تربیت جز ایجاد این صفات نیست. دارالمعلمین یک وظیفه فرعی دارد که آموختن طرز تدریس هر علم و تمرین دادن متعلم به این کار است و یک وظیفه اصلی و مهم‌تر دارد و آن این‌که خود نمونه کاملی باشد از تربیت نظری. دارالمعلمین کانونی است که باید اشعه تربیت یا حکمت حیات را بر فضای کل مملکت بتاباند از این رو خود باید سرا پا حکمت و صلاح باشد. وزارت معارف با تمام دقت‌ها به تأسیس دارالمعلمینی با این ویژگی موفق نشده

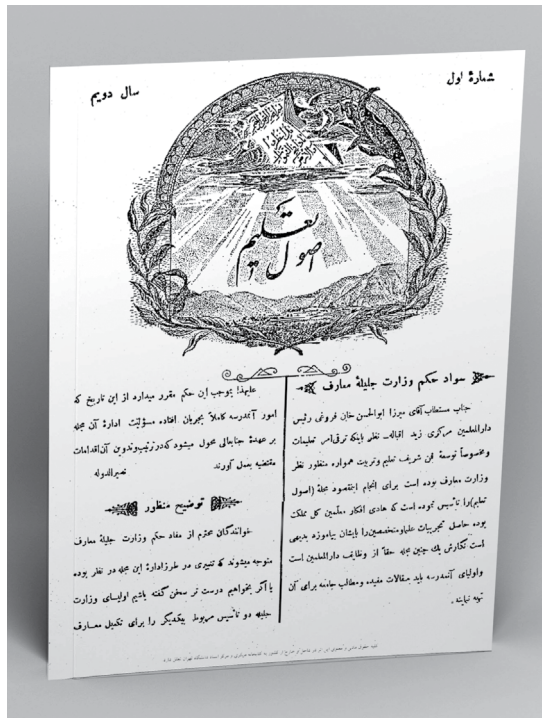
است. نه تنها وزارت معارف، بلکه هیچ صاحب قدرتی در هیچ نقطه جهان نمی‌تواند چنین اساسی با آن حد کمال دایر کند. آدمی باید به این که در حد توانائی خود به پیروی از حکمت نزدیک می‌شود، قانع گردد و در پیروی این راه، اداره دارالمعلمین و اعضای این حوزه در ابراز حسن نیت و بی‌غرضی و مساعدت از جانب وزارت معارف از هیچ اقدامی فروگذار نکرد و این مجله تربیتی، تلاش می‌کند که تعلیمات خود را کتباً به طالبان آن برساند.

کار حقیقی  
آموزگار آن است  
که نکته‌آموزی از  
روزگار را به متعلم  
خود بیاموزد

● «اعتذار و ادای قرض گذشته»: در این جا مطرح می‌شود که کسانی که آبونه یک‌سال نشریه را پرداخته‌اند، شش شماره را در سال گذشته دریافت کرده‌اند و شش شماره اول این سال را به‌جای شش شماره باقیمانده از سال قبل تلقی کنند و این امر سبب می‌شود که جز تأخیر، ضرر دیگری متوجه آنان نشود. این مطلب یعنی همان که مجله «اصول تعلیم» ادامه مجله «اصول تعلیمات» است و تنها تغییر عنوان و تأخیر در زمان انتشار وجود دارد.

● «ترتیب آینده و تکمیل مندرجات»: انتشار نشریه به صورت ماهانه خواهد بود و هر شماره از نشریه در پانزدهم برج منتشر شده و تعداد اوراق نشریه ثابت خواهد ماند، مگر در صورت ضرورت بدون تغییری در قیمت آن بر تعداد صفحات اضافه خواهد شد. موضوع مقالات شامل آنچه که به توسعه و تکمیل تربیت و حکمت است مربوط می‌شود و توسعه دامنه حکمت و ارتباط آن با معلومات و هنرهای انسانی سبب توسعه نشریه شده و نیز مقالات علمی و ادبی عمومی، اشعار منتخب که به کار تعلیم و تربیت در مدارس می‌آید، مقالات تاریخی و ترجمه حال رجال که سرمشق تربیت بوده، مقالات اخلاق عمومی، حکمت تربیت با هدف تربیت اخلاقی و پرورش بدنی، حکمت تعلیم یا طرز تدریس، دوره‌های مرتب از مواد درسی با توضیح و حواشی که به اصطلاح اروپائیان به منزله کتاب معلم شود، طرز تعلیم هنرهای یدی و اعمال بدنی شامل تعلیم خط، دستور عملیات طبیعی، یک کتاب درسی یا قرائتی به طور جزوه الحاقیه و نیز هر آن چه که به حکمت تربیت و تعلیم و تکمیل اخلاق مربوط می‌شود را شامل می‌شود.

● «این مجله برای کیست؟»: ابوالحسن فروغی در این مورد این چنین پاسخ می‌دهد. «این مجله برای کسانی نگاشته می‌شود که می‌خواهند معلم یا مربی باشند و ضمناً پدر خانواده که مربی اعضای خانواده شمرده می‌شود و به دانستن طرق و طرز تربیت محتاج است، نیز از آن استفاده خواهد برد. بنابراین عموم اولیای خانواده‌ها از این مجله تربیتی بهره خواهند برد. کار حقیقی آموزگار آن است که نکته‌آموزی از روزگار را به متعلم خود بیاموزد. هر آدمی خود باید مربی نفس خویش باشد و نفس خود را شاگردی برای قوه عاقله شناسد که تربیت آن محتاج به اهتمام



و جدّ کامل است، اما راه تکمیل این شاگرد چندان با طریق تربیت و تعلیم متعلمین دیگر متفاوت نیست، زیرا استاد و مربی، اول باید نفس خود را تهذیب یا تربیت نماید تا از عهده تربیت دیگران برآید. مربی و آموزگار باید به تکمیل و تربیت خود و متعلم هر دو مشغول باشد و اولی را بر دومی از حیث رتبه مقدم شمارد».

### «تاریخ طبیعی و مقام آن در تربیت»:

ابوالقاسم بهرامی، معلم تاریخ طبیعی، در این مقاله به مطالب زیر پرداخته است: «علوم طبیعی یکی از موادی است که در مدارس ما چنان که باید مورد توجه نیست و در تعلیم آن رعایت اصول لازمه به عمل نمی آید. علوم طبیعی را به همان صورت تدریس می کنند که فنون ادبی یا علوم ریاضی را. حال آن که مقصود از تحصیل این رشته، پرورش مراکز

مخصوصی از دماغ است که راه تربیت آن‌ها به کلی با سایر مراکز متفاوت است. دقت در حقایق اشیا، توجه به ارتباط مسائل با یکدیگر و کشف قوانین از جمله اهدافی است که از تدریس تاریخ طبیعی در نظر است در حالی که دانش آموزان پس از تحصیل این رشته با پیش از آن از این نقطه نظر، تفاوتی ندارند. آیا جای تعجب نیست که پس از هفتاد و چند سال که از عمر تحصیلات جدید در این مملکت می گذرد، یک نفر از تحصیل کرده‌های ما به این فکر نیفتاده که ببیند رشته جبال البرز چیست و چرا نقاط دیگر خاک به این برجستگی و پیچ و تاب نیست و چه خزائنی در دامن آن مخفی است؟»

بهرامی مشکل را از نحوه تدریس تاریخ طبیعی می داند، «زیرا برای محصل حفظ مطالبی که معنی آن‌ها را نمی داند، خسته نمودن دماغ است و عادت دادن به این که در امور تفکر ننماید.» او این عادت را بزرگترین خطری می داند که ممکن است دماغ اطفال بلکه رجال را تهدید نماید. «ضمناً اگر دماغی چنان که باید برای دقت در مسائل و درک حقایق تربیت نشده باشد، احتمال دارد اکثر قوانین و احکام تاریخ طبیعت را که هر کدام باید چندین هزار سال شخص را به انسانیت و حقیقت نزدیک سازد، غلط درک نموده و نتایجی بگیرد که برای نفس او و نوع بشر به شدت خطرناک باشد. تاریخ طبیعی یکی از

علوم طبیعی است که حواس پنجگانه را برای ملاحظه دقیق اشیا تربیت می‌کند و از این راه قوای دماغی انسان را بسط داده و فکر آدمی را باز می‌کند.»

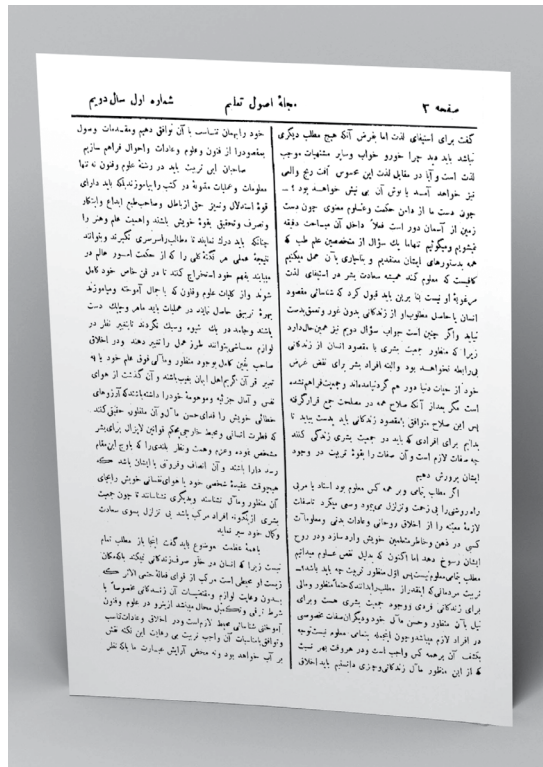
«هدیه نوروزی»: به مناسبت آغاز بهار هدیه نشریه «اصول تعلیم»، مؤدّه درج مقاله کاملی در شماره بعدی را می‌دهد که این مقاله نتیجه تحقیقات گسترده میرزا عبدالعظیم‌خان (در باب اولین شاعر در جهان که فارسی بوده) است.

### ● «ترجمه احوال رجال»: عباس اقبال آشتیانی نخست تربیت را به دو بخش تربیت

جسمانی یا همان پرورش بدن و تربیت عقلانی تقسیم کرده و تربیتی که از ترجمه احوال رجال در نظر است را متوجه تربیت قوای عاقله می‌داند. رجال تاریخی، یعنی بزرگانی که به واسطه بروز اثری مهم یا آثار متعدد در تاریخ زندگی بشر دارای مقامی بلند شده و تحسین مردم ادوار بعد را سبب شده، اشخاصی که توانسته‌اند یک سلسله مقدمات صحیح منطقی فراهم نموده که به استخراج نتایج بزرگ نائل گردند و از این طریق نام خود را در اعداد مردمان بزرگ و رجال تاریخی عالم قرار دهند. نیوتن و کپلر هر یک نزدیک به بیست سال زحمت کشیده تا یکی به اثبات

قانون جاذبه و دیگری به تحقیق قوانین سه‌گانه که اساس هیئت جدید بر آن مبتنی است نایل شده‌اند و قوای عاقله این دو دانشمند در ظرف بیست سال به ترتیب یک سلسله مقدمات معقول برای رسیدن به منظوری از حقیقت مشغول بوده است. مطالعه جزئیات زندگی این دو دانشمند، فرد را به درک مقامات عالی مقید کرده و قوای عاقله او را به نوعی خاص تربیت می‌کند. اولین دانشمندی که به شرح زندگانی او می‌پردازد، محمدبن زکریای رازی (۲۳۵ - ۳۲۰ هـ) است. اطلاعات منظمی از رازی که تمام حوادث زندگانی او را پوشش دهد، وجود نداشته و بسیاری از کتاب‌ها مفقود گشته و جزئیات زندگی رازی را باید در لابلای کتب و اوراق پراکنده جستجو کرد. اقبال آشتیانی به شرح حال قابل توجهی از رازی دست یافته که در این مقاله به ذکر آن پرداخته است. پس از نگارش زندگینامه این طبیب و شیمیدان معروف و بزرگ که به ریاست بیمارستان ری و بیمارستان بغداد رسیده بود و علاوه بر درمان بیماران، علم پزشکی





را آموزش می داد، به ذکر اخلاق و عادات رازی که مردی کریم، خوش خلق و نوع دوست بوده و نسبت به فقرا رأفت مخصوصی نشان می داده و آن ها را رایگان درمان می کرده و حتی بعضی از آنان را مستمری می داده، پرداخته است. تعداد تألیفات رازی متجاوز از دو بیست کتاب است. برخی از تألیفات رازی به سایر زبان های اروپایی ترجمه شده و در کتابخانه های اروپا یا به صورت نسخه های خطی یا چاپی محفوظ است. به عنوان نمونه کتاب «الحاوی» که از مشهورترین و مهم ترین آثار رازی است در واقع دایرةالمعارفی است از معلومات طبی قدما از عصر یونانیان تا زمان رازی. این کتاب به لاتین در دو جلد ترجمه شده و در سال ۱۴۸۶ در شهر برسیا<sup>۱</sup> در ایتالیای شمالی و نیز در ونیز چاپ شد. از این کتاب در کتابخانه های معتبر اروپا نسخه های خطی متعددی

وجود دارد. کتاب «طب المنصوری» که رازی آن را به نام حکمران ری، منصور بن اسحق، در ده مقاله تألیف کرده، به لاتین ترجمه و در سال ۱۵۱۰ در ونیز چاپ شده و نیز نسخه های خطی متعددی از آن وجود دارد. کتاب «آبله و حصه (الجدری و الحصبة)»، از مهم ترین کتب طب اسلامی است، زیرا محمد زکریا در آن حصه و آبله را وصف و طریقه معالجه آن دو بیماری را بیان کرده، او اولین کسی است که متوجه این موضوع شده است. این کتاب توسط لوران<sup>۲</sup> و الا<sup>۳</sup> به لاتین ترجمه و در ۱۴۹۸ در شهر پلزانس<sup>۴</sup>، چاپ و سپس کلن<sup>۵</sup> آن را به فرانسه ترجمه و در شهر پواتیه<sup>۶</sup> در سال ۱۵۵۶ منتشر و بار دیگر هم روله<sup>۷</sup> به ترجمه آن پرداخت. محمد زکریا ملقب به «جالینوس اسلام» است. او دارای مقامی بلند بوده و جامع طب محسوب می شد. مردم قرن ها بعد می گفتند:

1. Brescia
2. Laurant Valla
3. Plaisance
4. Collin
5. Poitiers
6. Rault

«طب معدوم بود جالینوس آن را زنده کرد، متفرق بود رازی جمع نمود، ناقص بود ابن سینا کامل کرد». رازی در علم شیمی نیز تألیفات متعددی داشته و کاشف و مخترع دو ماده مهم است؛ یکی الکل و دیگر جوهر گوگرد یا اسید سولفوریک. سپس آشتیانی در باب کیمیا و کیمیاگری در اعصار مختلف مطالب ارزنده‌ای را مطرح کرده است.

«حقیقت و راستی در تربیت»: ابوالحسن فروغی در این مورد معتقد است که تربیت خود باید مبنی بر حقیقت و راستی باشد و حصول هیچ منظوری را از رسوخ دادن خلق و عاداتی پسندیده یا تهییج همت و غیرت و تشویق عزت و شرافت و غیر آن نباید از کذب و جعل یا حيله و تدبیری نزدیک به مکر و تزویر بخواهند و این موضوعی است که نظر به کمال اهمیت آن تکیه گاه بزرگ ما در تحقیقات راجع به تربیت خواهد بود. بسیاری استاد و معلم یا نویسندگان و مؤلفی که به قصد استفاده تربیتی در یک موضوع، مبالغه و اغراقی دور از حقیقت می‌نمایند. علم تعلیم و اخلاق و تربیت اخلاقی همه برای آن است که حقایقی در عالم و نفس انسان موجود می‌باشد که تا بر آدمی معلوم نگردد و آدمی عمل خود را با آن موافق نگرداند، خیر و سعادت برای او متصور نخواهد بود، بلکه تصور بقا نیز به حکم قوانین علمی و طبیعی محال است. پس چگونه جعل و دروغ و دوری از حقیقت با معنی تربیت موافق می‌آید؟

● «حکمت تعلیم - تعلیم علوم ریاضی»: غلامحسین رهنما، معلم ریاضی و جغرافیا، معتقد است که «هیچ علمی به یقین نزدیک نمی‌شود مگر آن که حساب مقادیری را که موضوع آن علم است به دقت بتوان اندازه‌گیری نمود. بنابراین مقدمه تحقیق در تمام علوم و نیز وسیله امتحان از نتایج تمام آنها، قضایای ریاضی است و به همین جهت باید احکام برهانی ریاضی کاملاً قطعی و خالی از تردید و اختلاف نظر باشد. علوم ریاضی به دو دسته عمده تقسیم می‌شود که هر کدام شامل چندین علم است. دسته اول با موضوع مقادیر مجرده است و شامل علوم حساب، هندسه، جبر و مقابله، حساب دیفرانسیل و انتگرال و غیره که بر مقدمات بدیهی اولیه مبتنی است و دسته دوم فروع ریاضی نظیر حساب احتمالات و نجوم نظری می‌باشد.» سپس ویژگی‌های معلم ریاضی را ذکر می‌کند: «معلم ریاضی باید سریع الحساب و در اعمال ریاضی ماهر بوده، خوش زبان، خوش اخلاق، گشاده‌رو، صاحب تقریر روشن، سریع الانتقال، حاضرالذهن، قدرت زیاد حافظه، خوش سلیقه، اهل فراست، دارای عقل سلیم، وقار و متانت باشد.»

● «جوهر و عرض - قوه و ماده»: ابوالحسن فروغی در این مورد سؤال «آیا حقیقت معنی جسم معلوم است؟» را مطرح می‌کند. او می‌گوید علم و ادب تا از طریق صحیح خود خارج نشده باشد، چون متوجه مقصود واحد است، هیچ وقت



نمی‌تواند به کلی از یکدیگر جدا باشد. زبان علم و ادب در بسیاری از موارد به هم نزدیک می‌شود و پاره‌ای از مقالات ما هم جایز است که دارای هر دو جنبه باشد. اولین قدم دانش در علوم یا حکمت طبیعی آن است که بدانیم حکم ما هنوز طرح مسئله است نه جواب کافی از مشکلات مسائل چون گوییم جهان محسوسات یا به قول عرفا عالم ناسوت ساخته‌ایست از دو وجود ماده و قوه. معنی حقیقی قوه و ماده بر ما مجهول است و نمی‌دانیم حقیقت ذات هر کدام چیست و شاید از این دو وجود ناشناخته مجهول بودن قوه را زودتر از نامعلومی ماده تصدیق کنیم. به عبارت دیگر جسم یا جرم مادی محسوس‌ترین چیزهاست، بلکه تنها گوهری است که به مشت درآید و اذهان ساده وجود آن را مورد شک و محتاج تعریف و تحدید نداند در صورتی که چون قوه را علت جنبش و تغییر معنی کنی آن معنی نکته معقول خواهد بود و خفی بودن آن به اندک توجه معلوم خواهد شد، یعنی دانسته شود که لفظ قوه نماینده علتی مجهول به حساب می‌آید و لاقلاً صاحب فکر دقیق خواهد پرسید قوای تغییردهنده آب و خاک و به جنبش آورنده ابر و باد چیست؟

#### ● «جزوه الحاقیه مجله اصول تعلیم – دروس تاریخ علم»: این جزوه درباره

تاریخ تمدن و فلسفه تاریخ شامل چند دوره درس میرزا ابوالحسن فروغی در مدرسه دارالفنون است که در سال ۱۳۳۸ قمری توسط میرزا عباس خان اقبال آشتیانی، معلم تاریخ و جغرافیا، جمع‌آوری شده است. عباس اقبال آشتیانی می‌نویسد: «مطابق برنامه وزارت معارف در دوره تحصیلات متوسطه تدریس دو دوره تاریخ جزو تکالیف شاگردان بوده است. دوره اول شامل اصول وقایع تاریخی عالم و ایران در سه سال اول متوسطه و دوره دوم متضمن تاریخ تمدن و فلسفه تاریخ و تحقیق در علل حوادث و بیان قوانین کلی در سه سال آخر که از بدو اقدام به اجرای پروگرام رسمی تا قوس ۱۲۹۶ که تاریخ افتتاح مدرسه مبارکه دارالمعلمین است، تدریس دوره دوم تاریخ در دارالفنون به عهده کفایت استاد بزرگوار من آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی که مراتب بزرگواری و کمال ایشان معروف است، محول بوده و معظم له در این فاصله سه چهار سال، هر سال مواد پروگرام را به وضع تقریر شفاهی تدریس می‌کردند و متعلمین تقریرات ایشان را یادداشت برمی‌داشتند. به این ترتیب هر سال جزوه فراهم می‌آمد، شامل شرح کافی از مواد تدریسیه و چون تقریر هر سال با سال دیگر متفاوت بوده این جزوه‌ها هم از جهت عبارت با یکدیگر فرق دارند و هم از حیث مطالب؛ یعنی بعضی قسمت‌ها به مناسباتی چند در یکی مفصل‌تر و در یکی بالنسبه مختصرتر است. پس از آن که آقای فروغی به ریاست دارالمعلمین و افتتاح آن مشغول گردیدند، یک قسمت از این درس‌های دارالفنون به تصدیق خود ایشان

به اینجانب واگذار شد... در تدریس، یکی از جزوهای تقریری سال‌های گذشته را متن قرار دادم و برای مزید توضیح بعضی یادداشت‌ها بر آن افزودم ... اینک این درس‌های جمع‌آوری شده به زیور طبع متجلی می‌گردد...».

\*\*\*

این شماره از نشریه در ۳۲ صفحه شامل ۲۸ صفحه متن اصلی و ۴ صفحه جزوه الحاقیه تنظیم شده است.

## منابع

۱. «اصول تعلیم»، (حمل ۱۲۹۹ ش.)، شماره اول، تهران.
۲. شاملو، محسن (۱۳۲۶ ش.)، «بیست و دومین سال انتشار»، آموزش و پرورش، س ۲۲، ش ۱، تهران.
۳. شکوهی، فریبا (۱۳۹۳ ش.)، «دانشنامه مطبوعات ایران»، دانشنامه مطبوعات ایران، ج ۱، تهران.
۴. یغمایی، اقبال (۱۳۴۴ ش.) «ماهنامه آموزش و پرورش از ۱۲۹۸ تا امروز»، آموزش و پرورش، س ۳۵، ش ۹-۱۰، تهران.